

جمهوری اسلامی ایران
اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران
اداره آموزش و پرورش منطقه ۳ تهران

ش سندلی (ش داوطلبی):

نام و نام خانوادگی:

سؤال امتحان درس: ادبیات فارسی (۱)

نام واحد آموزشی: ابن سینا

نام پدر: پایه: اول

نام دبیر یا دبیران: قنبری

نوبت امتحانی: دی

رشته یا رشته‌ها:

سال تحصیلی: ۱۳۹۳-۱۳۹۲

ساعت امتحان: ۸:۳۰

وقت امتحان: ۶۰ دقیقه

تاریخ امتحان: ۱۳۹۲/۱۰/۲۲

تعداد برگ سؤال:

معنی و مفهوم اشعار زیر را بنویسید.

از خدا جویم توفیق ادب * * * بی ادب محروم شد از لطف رب

ما از پروردگار درخواست توفیق ادب را داریم و انسان بی ادب از مرحمت پروردگار بی بهره می‌ماند

بی ادب تنها نه خود را داشت بد * * * بلکه آتش بر همه آفاق زد

انسان بی ادب نه تنها خود را به بدی سوق می‌دهد بلکه آتش بدی را به تمامی جامعه و سراسر جهان پخش می‌کند

بدو داد و گفتش که این را بدار * * * اگر دختر آرد تو را روزگار

به نشنماید داد و گفت نگاهش دار اگر روزگار به تو دختر داد

بگیر و به گیسوی او بر بدوز * * * به نیک اختر و فال گیتی فروز

نشانه را به موی او ببند و با طالع خوب و فال روشن بخش مهره را

ور ایدون که زاختر بر آمد پسر * * * ببندش به بازو نشان پدر

و اگر فرزندان پسر شد این نشان من را که پدرش هتم به بازویش ببند

کنون گر تو در آب ماهی شوی * * * و گر چون شب اندر سیاهی شوی

آننوع اگر مثل ماهی به اعماق آب فرو روی و اگر در دل سیاهی شب شوی

و گر چون ستاره شوی بر سپهر * * * ببری ز روی زمین پاک مهر

و اگر مثل ستاره‌ای در آسمان گردی و از روی زمین به آسمان بروی

بخواهد هم از تو پدر کین من * * * چو ببند که خاکست بالین من

پدرم انتقام مرا از تو خواهد گرفت اگر ببند که من کشته شده و در خاک آرمیده‌ام

حالی آن لعل آبدار گشاد * * * پیش آن ریگ آبدار نهاد

خورا آن دو مرورید در خشان را از لباس خود در آورد و در برابر آن سگدل که با خود آب به همراه داشت قرار داد

گفت مردم ز تشنگی دریاب * * * آتشم را بکش به لختی آب

خیر به شر گفت که من از تشنگی در حال مردنم به من کمک کن و تشنگی را با مقداری آب برطرف کن

شربت آبی از آن زلال چو نوش * * * یا به همت ببخش یا بفروش

مقداری از آن آب گوارا و زلاله را یا به من ببخش و یا بفروش

بود بقالی و وی را طوطی * * * خوش نوایی سبز و گویا طوطی

مرد بقالی بود که یک طوطی سبز رنگ سخلو داشت

بر دکان بودی نگهبان دکان * * * نکته گفتمی با همه سوداگران

و این طوطی محافظ دکان بود و با همه مشتریان شوخی می‌کرد

در خطاب آدمی ناطق بدی * * * در نوای طوطیان حاذق بدی

در سخن گفتن مانند انسان ناطق بود و در آواز خواندن مثل دیگر طوطیان ماهر بود

۴,۲۵	<p>۲ معنی کلمات و اصطلاحاتی که زیر آن‌ها خط کشیده شده را بنویسید.</p> <p>در هر کتاب ، پس از ستایش <u>یزدان</u>، فصلی در <u>نعت</u> و <u>منقبت</u> برترین فرستاده او آمده است.</p> <p>روزی رستم برای شکار به <u>نخجیر گاهی</u> نزدیک مرز توران روی نهاد.</p> <p>چو سهراب شیر اوژن او را بدید * * * * ز باد جوانی <u>دلش بردمید</u>.</p> <p>بدو گفت ار ایدون که رستم تویی * * * * بکشتی مرا <u>خیره</u> از بدخویی.</p> <p>شر به سبب <u>خبث طینت</u> آن را نپذیرفت.</p> <p>این چوپان توانگر با این همه مال و منال هرگز دختر خود را به <u>مفلسی</u> چون او نخواهد داد.</p> <p>ریش بر می کند و می گفت ای <u>دریغ</u> * * * * کآفتاب نعمتم شد زیر <u>میغ</u>.</p> <p><u>جولقیی</u> سر برهنه می گذشت * * * * با سر بی مو چو پشت <u>طاس</u> و <u>طشت</u>.</p> <p>یزدان: <u>خداوند و پروردگار</u> نعت: <u>ستایش</u> منقبت: <u>بزرگداشت</u> نخجیر گاه: <u>نخجیر گاه</u></p> <p>شیر اوژن: <u>قوی</u> باد: <u>غرور</u> دلش بردمید: <u>به هیجان آمد</u> ایدون: <u>همچنین</u></p> <p>خیره: <u>بصورت</u> بدخویی: <u>لج‌بازی</u> خبث طینت: <u>بدزاتی</u> منال: <u>ثروت</u></p> <p>مفلسی: <u>درویش و بی‌نوا</u> ای دریغ: <u>افسوس</u> میغ: <u>ابر</u> جولقیی: <u>درویش و گدا</u></p> <p>طاس و طشت: <u>نوعی ظرف</u></p>
۰,۷۵	<p>۳ «زمانه بیامد نبودش توان» در بیت «خم آورد پشت دلیر جوان * * * * زمانه بیامد نبودش توان» به چه معناست؟</p> <p><u>زمان مرگش فرا رسید و او توانایی گریز از مرگ را نداشت.</u></p>
۰,۵	<p>۴ مقصود از «خاک تشنه» در بیت «شر که آن دید، دشنه باز گشاد * * * * پیش آن خاک تشنه رفت چو باد» چیست؟</p> <p><u>منظور خیر است که از تشنگی مانند خاک تشنه گشته بود.</u></p>
۰,۵	<p>۵ در بیت «آمد آورد پیش خیر فراز * * * * گفت گوهر به گوهر آمد باز» مقصود از گوهر اول و دوم چیست؟</p> <p><u>گوهر اول همان سنگ گران قیمت است و گوهر دوم همان خیر است که انسان خوب و با ارزشی است.</u></p>
۱,۵	<p>۶ ایرانیان در زمان‌های گذشته، شعر و نثر را بر چه اساسی تقسیم بندی می کردند؟</p> <p><u>گذشتگان ما آثار ادبی را به طور عمده بر اساس صورت و شکل ظاهری تقسیم بندی می کردند.</u></p>
۱,۵	<p>۷ آرایه تشبیه را با ذکر مثالی توضیح دهید.</p> <p><u>آن است که کسی یا چیزی را از نظر داشتن صفات یا صفاتی به کسی یا چیز دیگری که آن صفات یا صفات را داراست مانند کنیم. مثل «چشمان او در زیبایی شبیه مروارید می باشد»</u></p>
۲,۵	<p>۸ ابیات زیر را کامل کنید.</p> <p>آب زیند راه را همین که نگار می رسد * * * * مژده دهید <u>باغ را بوی بهار می رسد</u></p> <p><u>راه دهید یا را آن مه ده چهار را * * * * کز رخ نوربخش او نور نثار می رسد</u></p>
۱,۵	<p>۹ در مورد شاهنامه فردوسی توضیح دهید.</p> <p><u>ابوالقاسم فردوسی به سال ۳۷۰ هجری قمری نظم شاهنامه را آغاز کرد. فردوسی بیش از ۳۰ سال برای نظم شاهنامه زحمت کشید و شاهنامه فردوسی را می توان به سه بخش اسطیری، حماسی و تاریخی تقسیم کرد.</u></p>
۲۰	<p>جمع</p>